**انترناسیونال ۷۱۴**

**کاظم نیکخواه**

**این بار جناح خامنه ای مدعی تقلب شد**

یک رویداد قابل توجه در انتخابات حکومتی اخیر در ایران، تضعیف آشکار موقعیت خامنه ای بود که خودرا نه فقط آشکارا در نتیجه انتخابات بلکه در نحوه طرح مساله تقلب نیز نشان میداد. تضعیف خامنه ای بر خلاف تبلیغات ملی اسلامی ها و نیروهای حاشیه حکومت فقط به موقعیت شخص خامنه ای محدود نیست، بلکه بازتابی از تضعیف کل حکومت است. در تمام انتخاباتهای تاکنونی معمولا این جناح خامنه ای بوده است که قوانین بازی را تعریف کرده و بیش از همه تقلب کرده و نتیجه را به نفع خود تغییر داده است. و این جناح مقابل بوده است که به تقلب در انتخابات اعتراض کرده است. حقیقت اینست که جناح غالب تاکنون حتی نیاز چندانی به آمار و رای هم نداشته است. هر کس را که خامنه ای و شرکا خواسته اند از صندوق بیرون کشیده اند.

اما در انتخابات اخیر نکته جالب این بود که برخلاف قبل این رئیسی کاندید مورد حمایت خامنه ای بود که به تقلبات وسیع در انتخابات اعتراض کرد. رئیسی، نامزد دولت حسن روحانی را متهم به انجام «تخلفات مهندسی‌شده» در انتخابات کرد و گفت که رسیدگی نکردن شورای نگهبان به این «تخلفات» به «اعتماد مردم آسیب» می زند. رئیسی روز یکشنبه هفتم خرداد، در یک سخنرانی در مشهد، اتفاقات انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ را «بی‌سابقه‌« خواند و گفت که «تخلفات مهندسی‌شده در انتخابات زیاد بود. او مدعی شد که «تمام امکانات وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها و بهداری‌ها در خدمت ستاد انتخاباتی کاندیدای دولت قرار گرفت". ابراهیم رئیسی و رئیس ستاد او اعلام کرده‌اند که مستندات «تخلف» مورد ادعای خود را به شورای نگهبان و دادستانی کل کشور ارسال کرده‌اند. شورای نگهبان اخیرا مساله تقلب را برسمیت شناخت اما اعلام کرد که تقلبات در حدی نبوده که نتیجه انتخابات را تغییر دهد و در نتیجه قوه قضائیه باید موارد مشخص را بررسی کند و تصمیم بگیرد. یعنی مساله به بخش بررسی جرم و جنایت احاله داده شده است. برخی امام جمعه ها و رسانه های حکومتی نیز در همین راستا از تقلبات گسترده گزارش و شواهدی را ارائه داده اند.

در ادامه این تصمیم اژه ای معاون قوه قضائیه هم در کنفرانسی خبری اعلام کرد که "گزارش های متعددی به قوه قضائیه رسیده است که تا الان در مورد افرادی که پرونده برایشان تشکیل شده یک دسته ستاد نامزدها هستند، یک دسته هواداران نامزدها، برخی خود نامزدها هستند، یک دسته مجریان و ناظران انتخابات بوده اند که در حال رسیدگی است. در رابطه با برخی مسئولان دولتی هم گزارشات و شکایاتی رسیده که پیگیری می شود. برخی به واسطه استفاده از وجوه دولتی برای تبلیغ و خرید رأی در انتخابات تفهیم اتهام شدند." جناح روحانی نیز از تقلب گسترده جناح مقابل سخن میگوید و آنها را متهم به تقلبات گسترده کرده است.

این شروع یک کشاکش جدید در حکومت اسلامی است که سرنوشت آن معلوم نیست به کجا بکشد. اما هرچه باشد نزاع در درون حکومت را شدت بیشتری خواهد داد.

کسی در این که جمهوری اسلامی حکومت دروغ و تقلب و دزدی و ریاکاری است تردیدی ندارد. آمار و ارقام و هیچ چیز این حکومت قابل اعتماد و اتکا نیست. اما وقتی که خود حکومتی ها تقلب و دزدیها و جنایات یکدیگر را رو میکنند این تنها موردی است که حقیقتی در آن نهفته است. و به همین دلیل ادعای باند رئیسی به تقلب وسیع در انتخابات اخیر را هم باید باور کرد. اما نکته مهم در این ماجرا این نیست. نکته مهم جابجا شدن جایگاه و موقعیت جناحهاست.

این جابجا شدن معادله، یعنی اینکه جناح رقیب خامنه ای دست به تقلب علیه جناح تاکنون غالب یعنی ولی فقیه میزند و صدای اینها از تقلب بلند میشود، یک اتفاق تازه و مهم است. این نشان میدهد که بقول معروف کوزه گر خود در کوزه افتاده است و جناح خامنه ای قربانی همان روشها و توطئه گری هایی شده که قبلا دیگران را به کمک آنها کنار میزد. احتمالا روحانی بدون تقلب هم رای بالاتری نسبت به رئیسی می آورد. اما با علم به اینکه طرف مقابل هر جا و هرچقدر بتواند تقلب خواهد کرد، و از ترس اینکه با تقلبات وسیع رقیب ممکن است بازی را ببازد، متوسل به تقلب شده است.

بهرحال این یک بازتاب مشخص تضعیف موقعیت خامنه ای در درون حکومت است. حقیقت اینست که همانگونه که اشاره شد تضعیف جناح خامنه ای فقط تضعیف یک جناح نیست. بلکه انعکاسی از تضعیف جدی کل حکومت اسلامی و تمام جناحهای آن در برابر مردم است. جمهوری اسلامی بهیچوجه حکومت بیست سال پیش و ده سال پیش و حتی چهار سال پیش نیست. مردم وسیعا جلو آمده اند. آگاهتر و متشکلتر شده اند، اعتراضات گسترده است و خشم و نفرت از حکومت نیز بسیار وسیع و عظیم است. کم نبوده است مواردی که کارگران و مردم توانسته اند حکومت را وادار به گردن گذاشتن به خواستهایشان کنند. در این فضاست که ولی فقیه بعنوان نماینده کل این حکومت مورد خشم و نفرت عظیم همه مردم است و به منفورترین شخصیت در کل جامعه تبدیل میشود.

این فضای خشم و نفرت و اعتراضات به نزاعهای درون حکومت بیشتر دامن زده است و آنها را بیشتر به جان هم انداخته است. بازتاب این فضای اعتراضات را حتی در مناظره های انتخاباتی شان میشد دید که یکی به خواستهای معلمان تاکید میکرد، یکی به خواستهای بازنشستگان و دیگری وعده از بین بردن زندگی زیر خط فقر و امثال آنرا میداد. هیچ تردیدی در اینکه اعتراضات اجتماعی صفوف حکومت را هر روز بیشتر به هم میریزد نباید داشت.

حکومت اسلامی تلاش میکند با روشهایی مثل برخ کشیدن قدرت سرکوب خود اوضاع را در کنترل نگه دارد. در این رابطه حتی ابایی نداشته است که در همین سالهای اخیر بارها "مانور ضد شورش کارگری" بگذارد که در دنیا کم سابقه است. اینکه حکومتی علیه کارگران و اکثریت مردم تحت حاکمیت خودش علنا مانور ضد شورش بگذارد امر غریبی است و اعتراف آشکار حکومت به وحشتش از اعتراضات کارگری است. اما فضای جامعه گویای اینست که نه کارگران و نه بخشهای مختلف مردم معترض یک ذره برای طرح خواستهایشان به این نوع مانورها و بازیها توجه ندارند و مانورهای حکومتی بر خلاف انتظار حکومت نه فقط رعبی ایجاد نخواهد کرد بلکه نشانه های ضعف حکومت را جلوی چشم مردم میگذارد. در این رابطه باید مطمئن بود که حکومتی که از درون دارد به هم میریزد نیروی سرکوبش هم در برابر مردم شکننده و بی روحیه خواهد بود.

در یک کلام جمهوری اسلامی از درون این انتخاباتش ضعیف تر و متشتت تر بیرون آمد. بدون تردید در ماههای آتی شاهد گسترش اعتراضات بخشهای مختلف مردم علیه کل حکومت و دولت روحانی خواهیم بود. در این فضا کشاکشهای حکومت و افشاگریها و اعترافاتشان به تقلب و دزدی و حقوقهای نجومی و ثروتهای نجومی شان موضوع اعتراضات گسترده تر و تعرضی تر مردم خواهد بود.

در کنار بحران درونی حکومت، باید موقعیت ضعیف تر بین المللی، تضعیف بیشتر جنبش اسلامی، بحران اقتصادی و فضای معترض تر اجتماعی را قرار داد تا روشن شود که سرازیری حکومت بطور جدی آغاز شده است. ٣١ مه ٢٠١٧